

امنیت زبان، امنیت کشور است

بهر روز ذبیح الله^۱

مسئله زبان تنها به کلمه‌سازی، عبارت‌سازی و جمله‌بندی محدود نمی‌شود؛ زبان معین‌کننده سرنوشت یک ملت و کشور خاص است. اما سرنوشت زبان تاجیکی و آینده آن به نظر اکثریت دانشمندان تیره و در پرده ابهام قرار دارد.

در کنفرانس «زبان و جامعه»، که اخیراً در تالار آکادمی علوم به مناسبت ۲۱ فوریه — روز حفظ زبان‌ها، که از سوی سازمان یونسکو اعلان شده است — برگزار شد، اکثر دانشمندان از روند تطبیق قانون زبان و در مجموع وضعیت زبان تاجیکی در وطن خود اظهار نگرانی کردند. برخی از دانشمندان معتقدند که با گذشت شانزده سال از قبول قانون زبان وضع زبان تاجیکی در قیاس با سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۹ بدتر شده است. گروه دیگر با اشاره به برخی روندهای مثبت و دستاوردها در این زمینه می‌گویند که وضعیت موجوده زبان هنوز پاسخگوی طلبات زمان معاصر نیست. در طول این شانزده سال تطبیق نشدن بندهای قانون زبان، عملی نشدن کارگزاری دولتی از پایان تا به زینه‌های بالا با زبان دولتی،

۱. روزنامه نگار. برگرفته از نشریه «جمهوریت» (چاپ تاجیکستان)، ۱ مارس ۲۰۰۵، شماره ۲۴.

افزایش آویزه‌ها و ریکلام‌های نادرست به زبان‌های غیر در پایتخت، برگزاری اکثر کنفرانس، سمینار و دیگر نشست‌های ملی و بین‌المللی در داخل کشور با زبان غیردولتی، نگرانی‌های جدی را در ذهن طبقه‌های روشنفکر جامعه ایجاد کرده است.

برخی از سفیران کشورها در آغاز مأموریتشان در تاجیکستان تلاش می‌کنند با زبان فارسی تاجیکی حرف بزنند و بعد از مدتی اقامت تحت تأثیر وضع حکمران از این اقدام خود جبراً دست می‌کشند. بارها مشاهده کرده‌ام در برخی مراسم‌های رسمی سفیران کشورهای خارجی با زبان تاجیکی سخنرانی می‌کردند، اما مسئولان دولتی با زبان روسی. مگر چنین وضعیت خنده‌آور نیست؟

حالا هم کدام مانع‌های در راه تطبیق قانون زبان در کشور ما وجود دارد؟

۱. به نظر گروهی مانعاً اول نبودن اراده قاطع سیاسی از جانب مسئولان این ساحه در حکومت برای تطبیق قانون زبان و رشد آن. برای مثال این مسئله در جمهوری ترکمنستان بعد از سال ۲۰۰۰ در یک مدت کوتاه راه حل خود را پیدا کرد. س. نیازف با تعیین محل مشخص هر نفری را که زبان ترکمنی را یاد نگرفت، از کار برکنار کرد.

۲. تلاش برخی به اصطلاح «روشنفکران» تاجیک، که معتقدند فارسی، دری و تاجیکی سه زبان از هم جدا و متفاوت هستند. این گروه با تکیه به دستور (گرامر، صرف و نحو) زبان ادبی حاضره تاجیک، که اکثر کلمه‌های ناب و اصیل تاجیکی را به بهانه «آرخیستیک» بودن به دست باد فراموشی سپرده است، به احیا و جاری کردن هر کی از این دردانه‌های بی‌بهای زبان ملی مخالفت و دشمنی می‌ورزند. این گروه با استفاده از مقام و عنوان‌های بالابند خود هر که را که در این سمت قدم به پیش گذارد، با اتهام ایرانگرایی و افغانگرایی و یا دیگر نوع بهانه‌ها محکوم و سرکوب می‌کنند.

۳. به قول تعدادی، مانع دیگر در راه رشد زبان تاجیکی دستور خودساخت یا خود نسخه‌برداری شده زبان ادبی حاضره تاجیک است که منطق سخن، طرز تفکر، حسن بیان و خلاصه برابری مردم ما را ویران کرده است. به نظر آنان سبب اصلی ویران شدن زبان گفتاری، طرز تفکر، منطق و اندیشه‌رانی مردم ما همین دستور خودساخت می‌باشد.

۴. نبودن مکانیزم اجرایی در قانون زبان دولتی.

۵. مانع پنجم مسلط نبودن اکثر متخصصان و کارشناسان بخش‌های مختلف به زبان مادری خود [است]، زیرا تحصیلات عالی خود را با زبان روسی کسب کرده‌اند.

پس چه باید کرد؟ تعدادی از دانشمندان تاجیک برای رهایی از این بحران ملی پیشنهاد دارند که آهسته آهسته ما باید الفبای نیاگان را در عمل جاری کنیم. چرا؟

زیرا امروز از تروریسم دیده خطر بن بست اطلاعاتی و فقر معنوی ملت ما را تهدید بیشتر می‌کند. همسایه‌های ما الفبای لاتین را پذیرفتند، نسل آینده ما نه زبان روسی را خواهد دانست و نه الفبای نیاگان را. بنابراین این تاجیکستان در چند سال آینده در محاصره شدید ارتباطی قرار گرفته، با محروم شدن از سرچشمه‌های علمی و فن معاصر به یک جزیره بی سوادان تبدیل خواهد شد. اما بازگشت، چند امتیاز برای ملت ما خواهد داشت:

۱. این بازگشت مسائل خودشناسی ملی و هویت ملی ما را به طور خودکار، یعنی اتوموتی، حل می‌کند، زیرا اگر «فرهنگ هستی ملت است»، پس فرهنگ از طریق زبان حاصل شود و هستی زبان خط می‌باشد. هر زبانی که خط ندارد، میرنده است. همچنین ادعای خودشناسی ملی بدون جاری کردن الفبای نیاگان غیرامکان است.

۲. از طریق این بازگشت ما همچنان بی یگان‌زحمت به شبکه اطلاعاتی جهانی وارد می‌شویم و تمامی آثار معاصر جهانی با این خط برگردان شده، هزاران سایت اینترنتی دارای محتوای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با خط فارسی وجود دارد و به تهیه فرهنگنامه‌ها نیز نیاز وجود نخواهد داشت. با این خط سریلیک هیچ کس در دنیا از دستاوردهای احتمالی ما آگاه نخواهد شد و ما نیز از تحولات جدید جهانی بی‌نصیب خواهیم ماند.

۳. این بازگشت از نظر امنیتی برای ملت ما اهمیت استراتژی و روانی داشته، بقای آینده ما را تضمین خواهد کرد. در جهان اسلام میلیون‌ها مسلمان مدیون و مرید فرزندان تاجیک نظیر امام بخاری، امام اعظم، امام ترمذی، محمد غزالی و طبری و دیگران هستند، که همه آنها دوباره منت‌پذیر ملت ما خواهند شد. و اما با شرافت و برکات خط نیاگان، ما از یک کشور مصرف‌کننده فرهنگ و واردکننده علم و فن دوباره به کشور مبدع و صادرکننده فرهنگ و تمدن تبدیل خواهیم شد.

باید گفت که سرنوشت زبان تاجیکی امروز به قصه گرما به رفتن میمون شباهت دارد. ما نیز به مانند همین قصه به خاطر برخی منفعت‌های کوچک و گذرا زبان خود را قربان خواهش‌های نفسانی خود کرده‌ایم. راه نجات تنها قربانی می‌خواهد.

بهانه مخالفان خط نیاگان چیست؟

۱. صداناك‌ها نوشته نمی شوند.
۲. این خط چند تا س و چند تا ت دارد.
۳. موجود نبودن مبلغ ضروری برای بازگشت به خطِ نیاگان.
۴. ترس از افزایش نفوذ روحانیان در جامعه.
۵. این خط نشان واپسگرایی است.

پاسخ ما

هر خط در جهان مشکلات خاص خود را دارد. برای مثال دستور زبان انگلیسی خیلی آسان است، ولی طرز نوشتن آن مشکل. در انگلستان گروهی از دانشمندان برای ساده کردن آن تلاش کردند و خواستند سه هم‌صدای پی هم را با یک حرف افاده کرده، ترتیب فعل‌های بی‌قاعده را نیز آسان‌تر کنند، اما این پیشنهاد به عنوان خیانت به گذشته و سنت‌های ملی انگلیس‌ها و [از] سوی اکثریت رد شد. همچنین چینی‌ها با حفظ بیش از چهار هزار ایراگلیف و با این جمعیت بی‌شمار به رشد شگفت‌انگیزی دست یافته، بازار جهان را تصرف می‌کنند. آیا ما از عهده تشخیص سه نوع حرف س و دو نوع حرف ت نمی‌برآئیم. یادآور می‌شویم که در خط نیاگان تنها صداناك‌های کوتاه نوشته نمی‌شوند، اما صداناك‌های دراز نوشته می‌شوند.

دوم، هنگام خواندن این خط هم‌زمان سه جس انسان مثل عقل، منطق و چشم فعال می‌شود.

سوم، این خط برای شناخت کلمات فارسی از عربی بهترین معیار است.

چهارم، هر زبانی بدون خط میرنده است، بنابراین مخالفان جاری کردن خط نیاگان دانسته یا ندانسته دشمن زبان تاجیکی نیز هستند.

پنجم، در مورد عامل واپسگرا بودن خطِ نیاگان این سؤال مطرح می‌شود که از آثاری که بزرگان ما با خط به اصطلاح پروگریسیوی سرلیک آفریده‌اند، کدام نمونه‌اش ماندگار و مورد اعتراف جهانیان قرار گرفته است؟ اما این نکته کاملاً روشن است که آنچه گذشتگان ما با خط خود آفریده‌اند، مورد اعتراف جهان قرار گرفته و جهانیان به خاطر آفریده‌های بی‌نظیر فرزندان ملت فارس و تاجیک نزد این ملت سر تعظیم فرود آورده‌اند. برای مثال ابن‌خلدون مورخ عرب در فصل ۳۹ کتاب مقدمه خود نوشته است: «از شگفتی‌هایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام خواه در علوم شرعی و خواه در علوم

عقلی بجز در مورد نادری غیر عرب‌اند و اگر کسانی از آنان هم یافت شود که از حیث نژاد عرب باشد، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ و استادان عجم و غیر عرب هستند. اهالی شهرهای بزرگی که در آن روزگار در تمدن و کشفیات آن مانند صنایع و پیشه‌ها از ایرانیان به علت تمدن راسخی، که از آغاز تشکیل دولت فارس داشتند، به این امور استوار و توان‌تر بودند، چنان‌که صاحب نحو (گرامر زبان عربی) سیبویه، پس از او ابوعلی بود. و همه آنها از لحاظ نژاد ایرانی به شمار می‌رفتند...

همچنان بیشتر دانشمندان علم حدیث، که آنها را برای اهل اسلامی حفظ کرده بودند، ایرانی بودند یا از لحاظ زبان و مهد تربیه ایرانی به‌شمار می‌رفتند. و هم کلیه علمای علم کلام و نیز مفسران ایرانی بودند و به‌ز ایرانیان کسی به حفظ و تدوین علم حدیث قیام نکرد و از این رو مصداق گفتار پیامبر پدید آمد که فرمود: «اگر دانش در گردونه آسمان درآویزد، قومی از مردم فارس بدان مایل می‌آید و آن را دست می‌آورد.»

این مثال را بدان خاطر آوردیم که مدعیان ناآگاه بدانند که خط نیگان که فارسی و بعضی‌ها عربی‌اش نیز گویند، آن را بزرگان قوم ما ایجاد کرده‌اند، بلکه ما برای زبان عرب‌ها دستور یا خود‌گرامر زبان ساختیم! پس آیا این خط برای ما بیگانه و مشکل‌زا است؟

روند جهانی‌شوی مانند ریزش سیل، زبان‌ها و فرهنگ‌ها و ملت‌های ضعیف و کوچک را از سر راه به پرتگاه فراموشی تاریخ شسته می‌برد. در این صورت ما تنها با تکیه به اصالت و هویت ملی پشتیبان بزرگ فرهنگی گذشته خویش، آگاهی از تحولات جدید جهانی می‌توانیم ملت خود را حفظ کنیم. ما باید در سر راه این سیل خروشان به ساختن استحکام شروع کنیم. و یک سپر و استحکام شکست‌ناپذیر همین خط نیگان است.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښکې
پرتال جامع علومو انسانی